

تبیین حکم اتصال صفوف نماز جماعت در فقه مذاهب اسلامی با تأکید بر شرایط شیوع بیماری مسری

زهرا سادات حسینی^۱، محمدرضا رضوان طلب^۲، محمد اسحاقی آستانی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۶)

چکیده

هوا شایع‌ترین روش انتقال بیماریهای مسری در افراد است. بنابراین عموماً مهم‌ترین روش پیش‌گیری از شیوع بیماریهای مسری، رعایت فاصله بهداشتی مابین افراد جامعه است. تعیین مقدار دقیق این فاصله، ارتباط مستقیمی با نوع ویروس دارد که در صورت مهلک بودن، لزوم رعایت فاصله لااقل یک متری بین افراد را در پی دارد. مهلک‌ترین نمونه بیماری مسری در دهه‌های اخیر، کووید ۱۹ (حاصل کرونا ویروس) است که متخصصین طب جهانی، رعایت فاصله بهداشتی حدوداً یک تا دو متر را به منظور پیش‌گیری از گسترش آن توصیه نموده‌اند. در پژوهش حاضر ابتدا ملاک صحت اتصال صفوف از دیدگاه مذاهب اسلامی را تبیین و در ادامه، تعارض حاصل از ملاک اتصال اکثریت فقهای معاصر امامیه و فاصله توصیه‌شده بهداشتی را تحلیل و تنقیح می‌نماییم و امکان رفع این تعارض را از طریق قضاوت عرف در اتصال صفوف و همچنین رجوع به قاعده میسور چاره‌جویی می‌نماییم. روش تحقیق این مقاله، توصیفی - تحلیلی و بررسی منابع کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: نماز جماعت، بیماری مسری، کرونا، اتصال صفوف، عرف.

۱. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) /

sadat637@yahoo.com

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران / mrrezvan@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران / m.eshaghi.a@ut.ac.ir

طرح مسئله

نماز جماعت برترین نوع نماز است (مشکینی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳۵) و یکی از شروط صحت این عبادت اجتماعی، رعایت نظم و فاصله مناسب بین افراد حاضر در نماز جماعت است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَأَمْسَحُوا بِمَنَاكِبِكُمْ لئَلَّا يَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ: صفهای نماز را برپا کنید و شانه‌ها را به هم بچسبانید که مبادا بین شما فاصله بیفتد» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۴۲۴). در این حدیث مردم از عدم نظم در صفوف جماعت بر حذر داشته شده‌اند؛ چراکه موجب اختلاف بین قلوب مسلمین است.

در زمان شیوع بیماری‌های مسری ممکن است فاصله بهداشتی توصیه شده برای پیش-گیری از گسترش بیماری، با فواصلی که فقهای امامیه و اهل سنت در صحت اتصال صفوف نماز جماعت لازم دانسته‌اند به تعارض منجر شود. به طور مثال در چند سال اخیر بیماری مسری حاصل ویروس کرونا تاکنون جمعیتی معادل حدوداً شش میلیون نفر را به کام مرگ کشانده است (covid19.who.int). مهم‌ترین راه برای مبارزه با این بیماری، اقدامات پیش‌گیرانه است و یکی از مهم‌ترین آنها رعایت فاصله حداقل یک تا دومتري از افراد دیگر است. از دیدگاه شرع نیز فقها حکم به لزوم رعایت قوانین و دستورالعملهای بهداشتی نموده‌اند و اهمیت این مسئله به حدی است که مساجد کشور نیز مانند بسیاری از اماکن عمومی مدت زیادی تعطیل شده بودند. حال در چنین شرایطی آیا حکم این بیماری همانند شرایط سخت گذشته مانند جنگهاست که نمی‌توان نماز جماعت را تعطیل نمود و یا حفظ جان و رعایت فاصله اجتماعی بر اهمیت و فضیلت این مستحب مؤکد چیره خواهد شد؟ برای دانستن این مطلب ابتدا باید ملاکهای ارائه شده توسط فقهای مذاهب خمس (امامیه و چهار مذهب اهل سنت) و نصوص صریحی که ایشان برای میزان اتصال صفوف به آن استناد نموده‌اند را بررسی نماییم تا بتوانیم آن را با فاصله بهداشتی ارائه شده مقایسه کنیم و به تعارض موجود در این دو امر آگاه شویم. سپس با توجه به پویایی دین اسلام در زمانهای متفاوت، اولاً بررسی نماییم که در شرایط خاص شیوع بیماری مسری، ملاکهای اتصال چه مقدار با لزوم رعایت فاصله اجتماعی که لازمه پیش‌گیری از شیوع بیماری است، منافات دارند و در صورت منافات چه راه‌حلی می‌توان برای این مسئله جست‌وجو نمود و آیا توسط قاعده میسور می‌توان این تعارض را رفع نمود و در صورت عدم منافات، دیگر الزامی به تعطیل نمودن چنین مستحب مؤکدی وجود نداشته باشد. با توجه

به اینکه بسیاری از انواع بیماریهای مسری در طول تاریخ از طریق هوا به انسانی دیگر سرایت می‌یافته‌اند و امروزه نیز کرونا انتشار یافته و روزبه‌روز ابعاد و سوبه‌های جدیدی از خود را به جهانیان عرضه می‌کند، این حکم را می‌توان بر تمام امراض مسری فراگیری که در گذشته بوده‌اند یا احتمال وقوع آنها در آینده نیز وجود دارد، سرایت داد و چه بسا بتوان پیشنهادی که برای رفع مشکل ارائه خواهد شد را در شرایط مشابه راهگشای چنین مشکلاتی قرار داد.

در مورد اتصال صفوف در گذشته پژوهشهایی انجام شده است که عبارتند از: پایان-نامه‌های بررسی تطبیقی اتحاد مکانی در نماز جماعت (فرحناز شری‌زاده) و پایان‌نامه احکام صفوف نماز جماعت نزد فریقین (رضا محمدخان) و مقالات اتحاد مکانی و اتصال صفوف در نماز جماعت از منظر فقه مذاهب اسلامی (مهدی رهبر) و من معین الولاية: شرائط صحة صلاة الجماعة و احكامها (محمد توفیق المقداد) که هرچند جزئیاتی در آنها در مورد شاخصهای اتصال و اختلاف نظر فقها و ادله ایشان ذکر شده است و علی-الخصوص در مقاله آقای رهبر در نهایت اتقان به بیان و تقسیم‌بندی مستندات اتصال صفوف از دیدگاه فریقین از جمله روایات، اجماع و... اشاره شده است، اما در هیچ یک، صحبت از این مطلب نیست که با این حکم در شرایط خاص (مانند ظهور بیماریهای فراگیر مسری) چگونه رفتار می‌شود و یا در صورتی که در تطابق ملاک فقهی با شرایط بیماری، تعارضی حاصل شد آیا راه‌حلی مانند قاعده میسور برای رفع این تعارض وجود دارد یا خیر.

بررسی اصطلاح پزشکی «بیماری مسری» و لزوم شرعی پیشگیری از گسترش آن

بیماریهای مسری یا واگیردار^۴ صورتی از بیماریهای عفونی است که توسط عامل بیماری‌زا و از طریق فیزیکی مانند هوا، عوامل بیماری‌زا، مدفوع، روابط جنسی و... از بیمار به فرد سالم انتقال می‌یابد. در طول تاریخ بیماریهای مسری فراگیری وجود داشته است و بیماریهایی که از طریق هوا منتقل می‌شدند بخش زیادی از این بیماریها را تشکیل داده‌اند؛ مانند سل، برونشیت، دیفتری، سرخک، تب مخرمک، سیاه سرفه و... در سالهای اخیر

کرونا نیز در چند اپیدمی مناطق مختلفی از دنیا را درگیر کرده است (Agharezaee & Forouzes, 2020, p667). مهم‌ترین نحوه انتشار این ویروس، انتقال از طریق قطرات تنفسی در هواست (lotfi, Hamblin & Rezaei, 2020, p255) و بنابراین مهم‌ترین راه پیشگیری از شیوع بیماری، رعایت فاصله اجتماعی است و این مطلب از دیدگاه شرعی نیز لازم است؛ زیرا از آن جهت که بیماری‌های مسری عموماً چنان مهلکند که در صورت بی‌تفاوتی نسبت به دستورالعمل‌های مذکور احتمال فوت خود شخص وجود دارد، افراد به منظور حفظ نفس خویش مکلفند خود را از ابتلای به بیماری ایمن گردانند. حکم وجوب حفظ نفس مورد تأیید آیات و روایات بسیاری است (بقره، ۱۹۵؛ نساء، ۱۱۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۳، صص ۳۴۲ و ۳۴۸؛ ج ۱۰، ص ۲۱۷؛ نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۱۲۲). هم‌چنین، ضرر زدن به نفس از مصادیق ظلم است و عقل به تنهایی برای اثبات حکم بر قبح ظلم کفایت می‌نماید. این حکم همان‌گونه که در فقه امامیه اهمیت بسیاری دارد، از امور مورد اهتمام شرع و ملاکی برای تشریح برخی احکام از دیدگاه اهل سنت نیز هست (ر.ک: صاوی، بی تا، ج ۲، ص ۷۲۹؛ خلاف، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۴؛ غزالی، ۱۳۲۲، ج ۱، ص ۲۸۷؛ دسوقی، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۵؛ وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۲۵).

از طرف دیگر در صورتی که بیماری مسری چنان گسترده باشد که تبعات منفی آن بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و بهداشتی عموم مردم مانند تعطیلی مؤسسات آموزش و اکثر مجامع عمومی، کاهش سلامت روان افراد، کمبود نیروی درمانی و... تأثیر بگذارد، با دقت در قاعده «حرمت اختلال در امور اجتماعی» می‌توان این مطلب را دلیل دیگری بر اثبات لزوم رعایت فاصله بهداشتی دانست. برای اثبات این قاعده می‌توان به حکم مستقل عقل استناد نمود (ر.ک: عراقی، بی تا، ص ۳۱۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۵۶) و روایاتی را در تأیید حکم عقل به کار گرفت (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۷، ص ۲۹۲؛ انصاری، ۴۲۸، ج ۳، ص ۳۵۱؛ تبریزی، ۱۴۱۶، ص ۵۵۵). در نتیجه شرعاً لازم است از هرچه موجب خلل به این نظم و انسجام شود پرهیز شود. این قاعده هم‌چنین محل استناد احکام شرعی بسیاری است که عبارتند از: واجبات کفایی مانند طبابت، مهندسی و برخی مشاغل دیگر (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۵۶)، اجرای حدود، لزوم قضاء

(عراقی، بی تا، ص ۷)، قوانین و مقررات کلی مانند قوانین راهنمایی و رانندگی و عبور و مرور و وسایل نقلیه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ش، ص ۶۰) و

بنابر این دو قاعده می توان لزوم رعایت فاصله بهداشتی و در بیانی گسترده تر هر دستورالعملی که از گسترش بیماریهای مسری پیش گیری می نماید را از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت به اثبات رساند. فتاویٰ برخی فقهای امامیه نیز می تواند مؤید استدلالات فوق باشد.^۵

اقوال فقهای مذاهب خمسسه در باب حکم اتصال صفوف جماعت

۱. ملاک صدق اتصال نزد فقهای امامیه

ابتدا توجه به این نکته لازم است که مورد بحث فقهای امامیه در این بخش، فاصله مابین صفوف نماز جماعت است و دلیل بر این ادعا بررسی دقیق روایاتی است که شامل این عبارات است: «و بینهم و بین الصف الذی یتقدمهم»، «اقل ما یکون بینک و بین القبله»، «لا یکون بین الصفین مالایتخطی». در حالی که اگر شرایط بیماری مسری در نظر گرفته شود، لازم است فاصله بین نمازگزاران درون یک صف نیز بررسی شود.

درباره مورد اول (ملاک اتصال صفوف) نظرات کلی فقهای امامیه به دو دسته کلی تقسیم می شود. عده ای از فقها ملاک را عرف می دانند و برگزاری نماز جماعت با افرادی که بر فاصله ایشان عرفاً «بعد و دوری» صدق نکند را صحیح می دانند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۱۳؛ محقق حلی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۴۶). مستندات ایشان عبارت است از: مقتضای قضاوت عرف متشرعه (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۴)، عدم وجود مصحح شرعی بر صحت نماز جماعت با فاصله بیش از مقدار مورد پذیرش عرف (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۱۳) و اجماع (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۴). عده ای از فقها برای عرف، مصداق خاصی نیز بیان نموده اند. به طور مثال عده ای جماعت با فاصله ای به میزان دو گام یا چند گام را صحیح دانسته اند (نوری همدانی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۹۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۲۱). عده ای نیز برای عرف مترائ خاصی مانند حدوداً یک متر و امثال آن مشخص نموده اند (گلپایگانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۰). تمامی این نظرات زیرمجموعه ملاک عرف قرار می گیرد. برخی دیگر از فقها برای اتصال بین صفوف مقدار

عرفی را کافی نمی‌دانند و این فاصله را با استناد به صحیح زراره محدود به یک گام نموده‌اند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۴). برخی از فقهای معاصر نیز بر طبق بخش آخر صحیح زراره، میزان اتصال را به اندازه بدن انسان در هنگام سجده می‌دانند (بهجت، ۱۳۸۶ش، ص ۲۲۶؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۹۸). در صحیح این مقدار، معادل با همان یک گام دانسته شده است. بنابراین در تقسیم‌بندی اقوال، این قول معادل قول به یک گام قرار می‌گیرد. قول دیگری نیز به طوسی در کتاب المبسوط نسبت داده شده است که ایشان تا فاصله سیصد ذراع بین صفوف نماز جماعت را جایز دانسته‌اند (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۳۲۲)؛ اما با بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود ایشان ملاک را عرف دانسته‌اند و در ادامه (با عبارت «حد قوم...») در صدد بیان نظر فقهای اهل سنت بوده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۵۵، حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۱۳). مؤید این مطلب نیز سخنان طوسی در کتاب دیگرشان (الخلاص) است که ایشان مانعیت دوری بر صحت جماعت را در فقه امامیه مجمع‌علیه ذکر کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۵۷).

نظر مختار آن است که در ابتدا فاصله در نماز جماعت به دو دسته فاصله بین صفوف و فاصله بین نمازگزاران در یک صف تقسیم شود. در مورد فاصله بین صفوف نظر صحیح‌تر مراجعه به عرف است و درباره فاصله بین نمازگزاران در یک صف نیز رجوع به ملاک عرف بهترین گزینه است. در ادامه، به ذکر ادله پیشنهادی برای قول مختار و بررسی صحت و سقم آنها می‌پردازیم:

۱- اقتضای لغت: در لسان العرب چنین نوشته شده است: «الْجَمْعُ: اسم لجماعة الناس» و جَمَاعَه و جَمِيع و مَجْمَع و مَجْمَعَه نیز به همان معناست؛ هرچند گاهی در رابطه با غیرانسان به‌کار برده می‌شود؛ مانند: جماعة الشجر و جماعة النبات (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۵۳). آنچه به‌طور کلی از اقتضای لغت فهمیده می‌شود نیز مؤید مصداق عرف است؛ چرا که جماعت نوعی هیئت اتصالیه است که عرفاً افراد در آن یک گروه را تشکیل داده‌اند و با وجود فاصله زیاد چنین همراهی و معیتی محقق نمی‌شود. بنابراین فاصله باید عرفاً دور تلقی نشود تا نماز جماعت صحیح باشد (رهبر، ۱۳۹۸ش، ص ۲۳).

۲- عمومات نصوص باب نماز جماعت: کلیت روایات باب نماز جماعت اولاً حکم به اعتبار فاصله معینی در بین امام و مأوموم یا مأومین یا یکدیگر نموده است. این روایات

شامل مطالبی مانند فضیلت نماز جماعت و اجتماع مسلمین، تقدیم امام بر مأمومین، حضور مأموم در پشت سر یا سمت راست و چپ امام و... است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۴) و تمامی این مطالب لزوم همراهی و معیت را به ذهن مخاطب القاء می‌کند. اما ثانیاً عموماً همین روایات دلالت بر این مطلب می‌نمایند که رعایت فاصله‌ای که توسط آن هدف از برقراری نماز جماعت محقق شود و عرفاً تشکیل اجتماعی از مسلمین صدق نماید کافی است. به‌طور مثال در روایت: «إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِئَلَّا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْإِسْلَامُ وَ الْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُورًا: نماز جماعت از آن رو وضع شده است تا اخلاص و توحید و اسلام و عبادت خداوند آشکار و هویدا باشند و شهرت یابند» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۲۸۷) که در مورد اهمیت و فوائد تشکیل نماز جماعت است، لفظ «الجماعه» اولاً دلالت بر لزوم وجود فاصله معین در بین نمازگزاران و صفوف می‌نماید تا اجتماع مسلمین شکل گیرد و ثانیاً عموم همین لفظ دلالت بر این مطلب دارد که در صورتی که فاصله به میزانی باشد که عرفاً اجتماعی شکل بگیرد کافی است.

۳- عدم وجود مصحح شرعی بر فاصله بیش از مقدار عرفی: برخی فقها در فتاوایشان به این دلیل استناد نموده‌اند و معتقدند جایز نیست فاصله امام و مأموم بیش از مقدار معمول باشد؛ چراکه مصححی برای عبادتی با چنین فاصله در شرع وارد نشده است؛ مگر اطلاعات نصوصی که در آن مأموم از امام دور است. ولی این اطلاق نمی‌تواند مصحح شرعی باشد، چرا که میزان دوری در آن مشخص نشده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۱۳). به‌طور مثال فقها بر اساس ادله، حکم به صحت جماعت در کشتیهای متعدد داده‌اند؛ به‌طوری که مابین صفوف جماعت به اندازه فاصله دو کشتی باشد (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۴۲۷). به این دلیل که مشخص نشده این فاصله از حالت عرفی بیشتر است یا کمتر، نمی‌توان اطلاق این روایات را دلیل بر آن دانست که اقامه جماعت با فاصله زیاد مأمومین از یکدیگر صحیح است. کما اینکه در گفتار فقها نیز اقامه جماعت در چند کشتی مشروط به رعایت فاصله عرفی شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۲۱).

۴- روایات: زراره از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «يُنْبَغِي لِلصُّفُوفِ أَنْ تَكُونَ تَامَةً مُتَوَاصِلَةً بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ وَ لَا يَكُونُ بَيْنَ الصَّفِّينِ مَا لَا يَتَخَطَّى يَكُونُ قَدْرُ ذَلِكَ مَسْقَطَ جَسَدِ إِنْسَانٍ إِذَا سَجَدَ: شایسته است برای صفوف جماعت که پر و بدون کاستی و متصل یکدیگر باشد و در میان دو صف چندان فاصله نباشد که بیش از برداشتن یک گام شود و

اندازه آن فاصله مقداری است که چون انسان به سجده رود از زمین اشغال می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۴۱۰) و نیز در قسمت دیگری از همین روایت نقل شده است: «إِنْ صَلَّى قَوْمٌ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يُتَخَطَّى فَلَيْسَ ذَلِكَ الْإِمَامُ لَهُمْ بِإِمَامٍ وَ أَيْ صَفٌّ كَانَ أَهْلُهُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ إِمَامٍ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ مَا لَا يُتَخَطَّى فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ وَ إِنْ كَانَ سِتْرًا أَوْ جِدَارًا فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ إِلَّا مَنْ كَانَ حِيَالَ الْبَابِ: هرگاه گروهی نماز بخوانند و میان آنان و امام چندان فاصله باشد که با برداشتن یک گام فراخی آن پر نشود آن امام برای ایشان امام نیست و هر صف جماعتی که با پیشنمازی نماز میکنند و فاصله میان آنان با نمازگزاران صف ما بعد، چندان باشد که یک گام آن را پر نکند، نماز ایشان تمام نیست و اگر در میانه آن دو، پرده یا دیواری باشد آن نماز برای ایشان نماز صحیح نیست، مگر نماز کسی که محاذی در است» (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۸۶). عبارت «ما لَا يُتَخَطَّى» از ریشه «خطو» به معنای «مشی الواحده» (یک بار حرکت کردن) است. «الْخُطْوَةُ» نیز از این ریشه و به معنای «ما بَيْنَ الرَّجْلَيْنِ» (فاصله بین دو پا) است (فیومی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۸۲). در نتیجه تمسک به این روایات از مستندات اصلی قائلین به ملاک اتصال یک گام است. ولی قائلین به ملاک عرف این روایات را دال بر استحباب رعایت یک گام نموده‌اند؛ چراکه اولاً لفظ «یَنْبَغِي» در روایت اول و عطف «وَلَا يَكُونُ» بر آن، استحباب رعایت یک گام را می‌رساند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۱۴). به این دلیل نمی‌توان تمسک نمود؛ زیرا در مقابل روایاتی مانند «لَا يَنْبَغِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَتَلَدَّ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۴۴۳) دلالت بر الزام می‌نماید (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۱۰۷). ثانیاً منظور از نفی صلاه یا امام را باید نفی کمال دانست و نه نفی صحت؛ مانند سیاق کلام در روایت: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۶). به این دلیل نیز نمی‌توان تمسک نمود؛ زیرا در باب صلاه روایات دیگری در همین سیاق در مقام نفی صحت عمل است؛ مانند: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۱۵)، «لَا صَلَاةَ إِلَّا إِلَى الْقِبْلَةِ» (همان، ج ۴، ص ۳۱۲) و «لَا صَلَاةَ (نماز عیدین) إِلَّا مَعَ إِمَامٍ» (همان، ج ۷، ص ۴۲۲). بنابراین به نظر می‌رسد بر طبق ادله‌ای که فقها بر دلالت روایات بر وجوب یا استحباب بیان نموده‌اند، نتوان به یک نظر قطعی رسید. روایت دیگر در این باب از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «أَقْلُّ مَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ مَرِيضٌ عَنَزَ وَ أَكْثَرُ مَا يَكُونُ

مَرَبِضُ فَرَسٍ: کمترین فاصله بین مأموم و امام، به اندازه مکان نشستن بز و بیشترین فاصله، به اندازه مکان نشستن اسب است» (همان، ج ۸، ص ۴۱۱) چنین تعدد ملاکهایی که از لسان روایات بیان شده، بیانگر آن است که تمامی این موارد، مصادیقی است که متناسب با سطح درک مخاطبین در زمان ائمه معصومین علیهم السلام در روایات بیان شده است. به عبارت دیگر، ائمه علیهم السلام برای درک بهتر ذهن مخاطب از معنای عرفی، منظور خویش را تا حد امکان با بیان مصادیقی مانند بدن انسان در حال سجده، یک گام، مکان نشستن اسب و... آشکارتر نموده‌اند. کما اینکه پس از گذشت زمان، برخی فقها متناسب با درک مخاطب زمانه خویش، برای عرف مصداق خاصی مانند یک متر و امثال آن را تعیین کرده‌اند.

۵- نقش عرف در تحدید موضوعات شرعی: در بسیاری از احکام شرعی عرف مرجع تحدید موضوعات فقهیه است و تشخیص مصداق خارجی آن به عهده مکلفین می‌باشد و اگر فقها مصداق خاص برای آن مشخص می‌نمایند، مصادیق ایشان به منزله حکم شرعی نیست. به طور مثال در رابطه با زینت و آرایشی که بر شخص محرم در فریضه حج یا بر بانوان در عده وفات حرام است، تشخیص مصادیق آرایش بر عهده عرف است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۹۹) و ممکن است در عرف، مظاهر زینت متفاوت باشد. به طور مثال اموری مانند کوتاه کردن مو، گرفتن ناخن، استعمال حنا، سرمه کشیدن، استعمال عطر و... در عرف منطقه و زمانی زینت محسوب شود و در عرف دیگر چنین نباشد (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۳۱۱). به طور مثال اگر فقهی حکم به عدم حرمت نپوشاندن ابروها برای بانوان در مقابل نامحرم می‌نماید آن حکم از این باب است که طبق نظر ایشان در عرف بر چنین عملی عنوان آرایش صدق نمی‌کند (منتظری، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۳۳۶). از دیگر نمونه‌های موکول کردن تشخیص مصداق در حکم شرعی به عرف می‌توان به این موارد اشاره نمود: تعیین مصداق غنا (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۳۳۱)، مقدار و حدود تأمین نفقه و مسکن زوجه (همان، ج ۱۶، ص ۲۵۰)، تشخیص مفهوم فقیر به تناسب وضع زندگی عامه مردم در ابواب زکات (همان، ج ۸، ص ۲۳۸)، تعیین عینی یا مثلی بودن مغضوب (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۷ش، ص ۶۸) و...

۶- اجماع: عده‌ای از فقها مانند انصاری، اجماع را صراحتاً دلیل بر تعیین عرف به عنوان تمیزدهنده صحت اتصال صفوف ذکر کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۴). از ظاهر عبارت تذکره نیز ادعای اجماع برداشت می‌شود (با عبارت «عند علمائنا») (حلی،

۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۵۱). نجفی در این باره ادعای شهرت منقول و محصل نموده است (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۱۳۰) و طباطبایی نیز ادعای شهرتی کرده که تقریباً به اجماع رسیده است (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۱۴). با توجه به ادله مذکور اگر دلیل اجماع نیز پذیرفته شود اجماع مدرکی محسوب می شود و تنها مؤیدی بر دیگر ادله است (رهبر، ۱۳۹۸ش، ص ۲۳). هرچند که می توان دلیل اجماع را با توجه به قول بسیاری از فقها بر رعایت فاصله یک گام کاملاً نادیده گرفت.

۷- اصله الصحه: در نماز جماعتی که فاصله صفوف بیشتر از یک گام و به میزان فاصله عرفی باشد، در هنگام شک در صحت جماعت، به اصله الصحه تمسک می نماییم (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۸۴). البته زمانی به این دلیل تمسک می شود که ادله دیگری موجود نباشد.

از بین مستندات مذکور، مستند ۶ و ۷ (اجماع و اصله الصحه) با دلایل مذکور کنار گذاشته می شوند. هم چنین دلالت مستند ۳ و ۴ (عدم وجود مصحح و روایات) را می توان مختص اثبات ملاک عرف در تعیین فاصله بین صفوف دانست؛ زیرا محل بحث فقها در این دو مستند تنها در مقام بیان حکم اتصال بین صفوف می شود. اما سه مستند دیگر (اقتضای لغت، عمومات نصوص و نقش عرف در تحدید موضوعات شرعی) می تواند دلیل اثبات ملاک عرف در بین نمازگزاران یک صف و هم چنین ملاک عرف در فاصله بین صفوف باشد.

بنابراین قول برگزیده، پذیرش ملاک تشخیص عرفی برای تعیین اتصال در صفوف نماز جماعت است و اگر این قول پذیرفته شود اگر نمازگزاران در نماز جماعت، فاصله بهداشتی توصیه شده توسط متخصصین طب را رعایت نماید و به طور مثال چهار نمازگزار با فاصله دو متر مربعی از یکدیگر مربعی را تشکیل دهند، از منظر عرفی در دوره شیوع بیماری با توجه به شکل گیری مفهوم جدیدی از هیئت اتصالیه در ذهن جامعه، عنوان اتصال صفوف در نماز جماعت بر نماز ایشان صدق خواهد نمود و دیگر لزومی به تعطیل نمودن امر شرعی مستحب مؤکد در هنگام شیوع چنین بیماریهای فراگیر مسری نخواهد بود.

۲. ملاک صدق اتصال نزد فقهای اهل سنت

پس از بیان نظر فقهای امامیه، به بیان نظرات فقهای مذاهب اربعه و تا حد امکان به بررسی ادله ایشان می‌پردازیم. نظرات ایشان به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: اقامه جماعت درون مسجد و خارج از مسجد.

تمام فقهای مذاهب اربعه بر این عقیده‌اند که در صورت علم به نماز امام (توسط مشاهده افعال امام یا مشاهده افعال مأمومین متصل به او، شنیدن صوت امام یا شنیدن صوت مأمومین متصل به او، شنیدن صدای مکبر و... (ر.ک: نووی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۰۹؛ حصنی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۲؛ بهوتی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۱)) مأموم در هر قسمتی از مسجد می‌تواند به امام اقتدا کند هر چند که صفوف متصل نباشند. بر این فتوا چند دلیل ذکر شده که عبارتند از:

- هر قسمتی از مسجد، مکان جماعت محسوب می‌شود و برای همین منظور (برگزاری نماز جماعت واحد) بنا شده است (شیرازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۰؛ بهوتی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۱).

- روش ابوهریره در اتصال به جماعت از پشت مسجد بوده است (مزنی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۱۷؛ ابن‌مازه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۱۸).

- اجماع مسلمین بر این مطلب شکل گرفته است (نووی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۰۲).
بنابراین تمامی نقاط مسجد مانند صحنها و حیاط، سرداب، چاه، مناره‌ها و پشت‌بام مسجد و هر مکان شبیه به آن مشمول این حکم می‌شوند (همان‌جا؛ ابن‌مازه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۱۸). هم‌چنین مساجد کوچکی که به مسجدی بزرگ متصل هستند، همان حکم را دارند؛ چراکه از ابتدا برای همین منظور (اتصال به جماعت مسجد بزرگ) بنا شده‌اند (نووی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۰۳). برخی از فقهای حنفیه این حکم را حتی در خانه‌های مجاور مسجد و پشت‌بام آنها گسترش داده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۱۳۵-۱۳۴). البته فقهای مالکی درباره نماز جمعه استثنائی بر این حکم کلی ذکر نموده‌اند اتصال به نماز جماعت از راه دور و در خانه و یا مغازه‌اش و هم‌چنین نماز خواندن بر پشت‌بام مسجد را جایز ندانسته‌اند (خرشی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۶).

در مورد اقتدا در خارج از مسجد، فقهای مذاهب نظرات متفاوتی دارند. شافعی برای میزان مسافت نزدیک که ملاک صحت اقتدا در خارج از مسجد است (مغنیه، ۱۴۲۱ق،

ج ۱، ص ۱۳۴)، فاصله سیصد ذراع را از لحاظ عرفی مرز بین قریب و بعید می‌داند. در اینکه آیا سیصد ذراع تقریب است و یا تحدید اختلاف نظر وجود دارد. اگر تحدید باشد فاصله بیش از آن جایز نیست اما اگر یک ملاک تقریبی باشد، اضافه شدن سه ذراع به آن اشکالی ایجاد نمی‌کند (شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۰).

فقهای حنفیه، در خارج از مسجد اتصال صفوف را لازم دانسته‌اند و برخی از ایشان بر این حکم کلی مصداق ذکر نموده‌اند و این فاصله را به عدم تجاوز از یک طریق عمومی و یا نهر بزرگ (برابر با دو صف یا بیش از آن) محدود کرده‌اند و بیش از آن را موجب اختلاف مکان امام و مأوم می‌دانند (ر.ک: کاسانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۶). این فتوا به تبعیت از اعتقاد ابوحنیفه بر عدم جواز فاصله انداختن طریق بین امام و مأوم و استناد آن به روایت عمر داده شده است: «مَنْ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْإِمَامِ طَرِيقٌ فَلَيْسَ مَعَ الْإِمَامِ: اگر فاصله بین مأوم و امام به اندازه یک طریق باشد، نماز مأوم به امامت آن امام صحیح نیست» (نووی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۹). در رد نظر ایشان گفته شده است که این حدیث باطل است؛ چراکه در سلسله راویان آن لیث ابن ابی سلیم و تمیم هستند و لیث جزو راویان ضعیف و تمیم، مجهول الحال است (همان‌جا).

فقهای مالکیه اقتدای فرد به امام جماعتی که به افعال ایشان عالم باشد را صحیح می‌دانند؛ هرچند حائلی مانند طریق، نهر، دیوار و... بین ایشان وجود داشته باشد و اختلاف مکان را چه در داخل مسجد و چه در خارج از آن، مانع صحت جماعت نمی‌دانند (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۳۵). به طور مثال شخصی که در خانه‌ای دور از جماعت، به جماعت متصل شود، اگر امام را ببیند و تکبیره الاحرام ایشان را از طریق درها و یا پنجره‌ها یا غیر آن بشنود، جماعتش صحیح است (ر.ک: قاضی بغدادی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۰۱). دلیل ایشان بر این مطلب روایتی است که از ابوهریره نقل شده است: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيَوْمٍ بِهِ، فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَإِذَا رَكَعَ فَارْكَعُوا، وَإِذَا قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، فَقُولُوا: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، وَإِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا، وَإِذَا صَلَّى جَالِسًا فَصَلُّوا جُلُوسًا أَجْمَعُونَ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۴۷). در ابتدای این حدیث عبارت «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيَوْمٍ بِهِ» آمده است که در این عبارت منظور از اتمام، پیروی کردن از امام جماعت در افعالش است و چنین پیروی در صورت مشاهده امام و شنیدن صدایش هرچند حائلی نیز موجود باشد، ممکن است و این حائل اگر مانع از علم به افعال امام نشود، بر صحت اتمام وی در زمان

اتصال صفوف، اشکالی وارد نمی‌کند (ر.ک: قاضی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۰۱). فقهای حنابله نیز آن فاصله‌ای را که عرف دور بدانند، مانع صحت جماعت می‌دانند (ر.ک: ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۱۵۲؛ بهوتی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۱).

پس از بیان نظرات، لازم است به نقد مهم‌ترین ادله مذکور ایشان پیرامون صحت نماز جماعت در هر قسمتی از مسجد حتی بدون اتصال صفوف و به دلیل اتحاد مکانی (احتساب هر قسمت از مسجد به عنوان مکان جماعت، رفتار ابوهریره و اجماع) پرداخته شود:

درباره دلیل اول باید گفت که عموم ادله در باب نماز جماعت، هم مسجد و هم غیرمسجد را شامل می‌شوند و تفاوتی در این باره قائل نیستند. پس از اینکه در نصوص صراحتاً مطلبی در این باره یافت نشد باید به عرف مراجعه کنیم. در حالی که عرف نیز تفاوتی بین مسجد و غیرمسجد قائل شده‌است (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۲۰). همان‌طوری که امکان دارد در قسمتی از مسجد جماعت تشکیل شود و در قسمت دیگر آن تشکیل نشود امکان دارد در مسجد جماعت تشکیل نشود و در خارج از آن برگزار شود. لذا از این جهت نمی‌توان تفاوتی بین مسجد و غیر از آن قائل شد.

دلیل دوم در مورد ابوهریره یا عبدالله بن عامر دوسی است. هرچند ایشان از اصحاب پیامبر ﷺ و از محدثان بزرگ اهل سنت هستند. نزد فقهای اهل سنت عدالت صحابه امری مسلم است و اکثریت ایشان به نقد صحابه پیامبر ﷺ نمی‌پردازند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷). ایشان در سال هفتم هجری اسلام آورد. هر چند بیش از سه سال از مصاحبت پیامبر ﷺ برخوردار نبود، اما بیش از هر صحابی دیگر از آن حضرت حدیث نقل کرد. وی در این مدت به نقل از منابع اهل سنت ۵۳۷۴ حدیث از پیامبر ﷺ روایت نموده است (ابن حزم، بی‌تا، ص ۱۷). تا آن‌جا که در عصر خلفا بارها بزرگان صحابه به او اعتراض کردند. ابن قتیبه این‌گونه نقل می‌کند: «و یحتجون بحديث أبي هريرة فيما لا يوافق عليه أحد من الصحابة وقد أكذبه عمر وعثمان وعائشة» (ابن قتیبه، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۱۶). هم‌چنین در منابع شیعه و سنی نقل شده است که عمر بن خطاب به ابوهریره چنین می‌گوید: «قد أكثرت من الرواية وأحربك ان تكون كاذبا على رسول الله ﷺ» (ابن شاذان، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۵). هم‌چنین کتابی به نام «أبوهریره شیخ المضیره» توسط محمود ابوریه محقق و نویسنده مصری در منابع اهل سنت آورده شده است و ایشان در آن اثبات کرده‌اند که

ابوهریره به مبانی اعتقادی اسلام پایبند نبوده است. ابوهریره در روزگار عمر ولایت بحرین داشت و سپس معزول گشت و به کیفر بردن اموال بیت‌المال به پرداخت ده‌هزار درهم غرامت محکوم گردید (خمینی، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۶۶). گویند در هنگامه جنگ صفین از پیکار کناره گرفت و روزی را در خیمه‌گاه حضرت امیر علیه السلام و روز دگر را در میان لشکریان معاویه می‌گذراند. وی در نماز به حضرت اقتدا می‌نمود و در طعام سفره معاویه را رجحان می‌نهاد و می‌گفت: «الصلاة خلف علیّ اتمّ، و سباط معاویة ادم، و ترک القتال اسلم» (ابن‌عماد حنبلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۵). او بدون شک در نظر اهل سنت فضائلی نیز دارد، ولی با توجه به مشکلاتی که در شخصیت وی از دید فقهای اهل سنت و امامیه نقل شده است به نظر می‌رسد رفتار چنین شخصی به‌تنهایی در اتصال به جماعت از پشت مسجد به صرف صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بودن نمی‌تواند ملاکی برای دادن فتوای شرعی باشد.

ادعای اجماع مسلمین در این مورد نیز اشتباه است؛ چراکه تمام فقهای امامیه بر خلاف این حکم، فتوا داده‌اند. بنابراین صحت نظرات فقهای اهل سنت مورد اشکال است.

حکم اتصال صفوف در بیماری مسری و تبیین تعارض موجود

با توجه به مطالب مذکور ادله اهل سنت پذیرفته نشد و اما باید به این نکته نیز توجه داشت که ملاکهای اهل سنت با فاصله‌های اجتماعی طبی که تاکنون در بیماریهای مسری اعلام شده (به‌طور مثال فاصله یک تا دو متری در ایام کرونا) پیدا نمی‌کند؛ چراکه ملاک اتصال در نظر فقهای شافعیه سیصد ذراع بیان شده‌است که حدوداً معادل ۱۳۷ متر است. فقهای مالکیه اتصال صفوف را شرط صحت جماعت نمی‌دانند. فقهای حنابله نیز ملاک را عرف بیان کرده‌اند که عرف، شخصی را که با یک و نیم تا دو متر فاصله از جماعت ایستاده است را متصل به جماعت می‌داند. این مقدار از یک مسیر عمومی یا نهر بزرگ نیز کمتر است و در فقه حنفیه نیز چنین فاصله‌ای مانع صحت جماعت نیست. بنابراین در صورتی که جماعتی تشکیل شود که افراد در آن با فاصله‌گذاری بهداشتی از یکدیگر به جماعت متصل باشند و همگی عالم به افعال امام جماعت باشند آن جماعت در فقه اهل سنت صحیح است.

اما در مذهب امامیه اکثریت مراجع کنونی قائل به رعایت فاصله یک گام هستند. برخی از فقها قائل به رعایت یک گام بلند (ر.ک: وحید خراسانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۸۲؛ علوی

گرگانی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۴۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۳۲ق، ص ۲۴۶؛ سبحانی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۹۵) و برخی دیگر قائل به رعایت یک گام متعارف هستند (ر.ک: حسینی سیستانی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۶۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۹۳). عده‌ای نیز معادل همین مقدار به میزان جسد انسان در حال سجده و یا کمتر از این مقدار را ملاک می‌دانند (ر.ک: بهجت، ۱۳۸۶ش، ص ۲۲۶؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۹۸) و برخی نیز صراحتاً یک متر را ملاک اتصال می‌دانند (ر.ک: گلپایگانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۰). در مقابل تعداد اندکی از مراجع معاصر نماز جماعت با فاصله بیش از یک متر را صحیح می‌دانند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۲۱؛ نوری همدانی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۹۰؛ سبزواری، بی‌تا، ص ۱۲۷). بنابراین باید گفت که ملاک صحت نماز جماعت از دیدگاه بسیاری از فقها با فاصله بهداشتی مذکور، منجر به تعارض می‌شود به صورتی که اگر شخصی نماز جماعتی با فاصله حدوداً نیم متر از صف مقابل یا از فرد متصل در سمت راست یا چپ اقامه کند به حکم تکلیفی وجوب رعایت فاصله اجتماعی عمل نکرده است و اگر فاصله یک‌ونیم را رعایت کند، فاصله صفوف بیش از یک گام شده است و اتصال جماعت صحیح نیست.

نمونه‌ای از این تعارضات در کشور اتریش نمودار شد. اتریش کشوری اروپایی است که دین اسلام دومین دین رسمی این کشور است و حدوداً ۳۵۰ هزار مسلمان و ۷۰ هزار شیعه در اتریش سکونت دارند. در ایام شیوع کرونا، اقامه جماعت در مساجد این کشور برای مدتی تعطیل شده بود. پس از گذشت حدوداً دو ماه با رعایت چند شرط مجوز برای بازگشایی آنها داده شد. یکی از شروط، رعایت فاصله دو متر مربعی بین نمازگزاران بود. این فاصله مانعی شرعی برای اقامه جماعت برخی نمازگزاران شیعه در مساجد این کشور بود. دولت امارات نیز بازگشایی نماز جماعت در مساجد و پس از چند ماه مجدداً بازگشایی نماز جمعه را مشروط به رعایت فاصله دو متر بین افراد دانسته بود. در رابطه امکان انعقاد جماعت با شرط مذکور در شرایط بیماری مسری از آیت‌الله حسینی سیستانی استفتاء شد و ایشان در پاسخ فرمودند: «فاصله ۱۲۰ سانتی‌متری بین مکان هر مأموم و مأموم دیگر در همان صف و هم‌چنین بین محل سجده فرد متأخر و محل ایستادن فرد متقدم ایرادی ندارد، اما در صورت فاصله‌ای به اندازه مثلاً دو متری، صحت اقتدا محل اشکال است». این تعارض در صورتی که فقها ادله ملاک عرفی را در حالت کلی (شامل شرایط بیماری و غیربیماری) بپذیرند تعارض حل خواهد شد. اما در قسمت بعد بررسی

می‌شود که در صورت عدم پذیرش ملاک عرف در حالت کلی، آیا می‌توان با تمسک به قاعده میسور در شرایط بیماری ملاک اتصال را تا حدی تغییر داد.

بررسی امکان تغییر حکم اتصال با تأکید بر قاعده میسور

موضوع پژوهش حاضر بررسی یکی از شروط الزامی (اتصال صفوف) یک عمل شرعی (نماز جماعت) است که مرکب از اجزاء و شرایط و ترک برخی موانع است. طبق قاعده میسور، هرگاه در یک مرکب شرعی، انجام برخی اجزا (مانند سوره) و شرایط واجب یا مستحب آن (مانند ستر بدن) و یا ترک برخی موانع آن (مانند پاک نمودن نجاست از لباس نمازگزار) دشوار یا ناممکن باشد و مکلف قادر به انجام کامل آن عمل با تمام اجزاء و شرایط نباشد، به جای آوردن بخشی از آن که برای مکلف ممکن و مقدور است از عهده-اش ساقط نمی‌گردد و در صورت عدم وجود دلیل خاص، هم‌چنان وجوب یا استحباب مابقی اجزاء و شرایط و لزوم یا رجحان ترک مابقی موانع باقی خواهد ماند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۱۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۳۹). بنابراین اگر شخصی بخواهد در شرایط شیوع بیماری آن را به جماعت اقامه نماید، به علت لزوم حفظ فاصله اجتماعی در شرایط اضطراری، توانایی شرعی اقامه نماز با فاصله صفوفی کمتر از حدوداً یک‌ونیم تا دو متر را ندارد (معسور). این در حالی است که ادای دیگر اجزاء و شرایط کاملاً برای مکلف امکان‌پذیر است. بنابراین طبق قاعده میسور، در این مورد می‌توان حکم به الغاء شرطیت الزامی اتصال از یک عمل مرکب شرعی نمود.

البته پذیرش الغاء مذکور منوط به پذیرش قول به حجیت قاعده میسور است که توسط مشهور فقهای امامیه مطرح شده است (همان، ج ۱، ص ۳۹). متقدمین از فقهای امامیه نیز در بسیاری از فتاوایشان مانند مسئله کفاره افطار عمد، بدون استناد صریح به متن قاعده، از آن استفاده نموده‌اند (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴۶؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۳۸۷ش، ج ۹، ص ۲۷؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۵۴). در مقابل عده‌ای از فقها مانند بحرانی صراحتاً حجیت این قاعده را رد کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۳۷). ایشان در جای دیگری به این قاعده تمسک نموده‌اند (همان، ج ۸، ص ۲۴۱) و یا آیت‌الله خوئی با ذکر ادله‌ای حجیت قاعده را مطلقاً نفی نموده (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۶۲) و اما به‌طور اختصاصی حجیت را در باب صلاه به دلیل وجود ادله خاص پذیرفته‌است (همان، ج ۱، ص ۵۵۴). قول دیگری

نیز در بین فقها وجود دارد و آن قول به تفصیل است. همین قول خود به چند دسته تقسیم می‌شود: جریان قاعده در اجزاء و عدم جریان در شرایط (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، صص ۳۹۶-۳۹۵؛ غروی اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۳۹۴)، جریان قاعده در اجزاء خارجی و عدم جریان در اجزاء ذهنی (مانند نوع و جنس) (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۷۲)، جریان قاعده در واجب نفسی و عدم جریان در واجب غیری و

همان‌طور که بیان شد جریان قاعده میسور در بحث پژوهش حاضر، منوط به پذیرش قول اول (حجیت قاعده) است که در اثبات این قول به سه روایت تمسک می‌نماییم: ۱. «إِذَا أَمَرْتُمْ بِشَيْءٍ فَأَتَوْا مِنْهُ بِمَا اسْتَطَعْتُمْ: زمانی که شما را به چیزی فرمان دادم، هر مقدار از آن را که می‌توانید، انجام دهید» (ابن‌ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۵۸). ۲. «الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ: انجام مقداری از تکلیف، که شدنی است، به سبب دشوار یا غیرمقدور بودن انجام کامل آن، ساقط نمی‌شود» (همان‌جا). ۳. «مَا لَا يُدْرِكُ كُلَّهُ لَا يُتْرَكُ كُلَّهُ: کاری را که نمی‌توان به شکل کامل انجام داد، نباید از اساس ترک کرد» (همان‌جا).

از منظر سندی باید گفت که این سه روایت در هیچ‌یک از کتب روایی امامیه به جز «عوالی اللثالی» نقل نشده است و در این کتاب هم کاملاً مرسل نقل شده به صورتی که روایت اول را به پیامبر اکرم ﷺ و دو روایت دیگر را به حضرت علیؑ استناد داده‌اند. بنابراین سند این روایات طبق نظر فقهای امامیه مرسل است و این مطلب دلیل اصلی برخی فقها بر رد این قاعده است (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۶۱)، اما این ضعف سند با شهرت فتوایی جبران شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۱۳۶؛ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۹۰). حتی ادعا شده است که جاری بودن این شهرت نه تنها در کتب فقها بلکه بر زبان عوام و خواص مردم، باعث پدید آمدن ظنی قوی‌تر از ظن به صحت خبر صحیح، به صدور این اخبار خواهد شد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۷۰).

البته در اینکه آیا این روایات دلالت بر محتوای قاعده میسور دارند یا خیر، بحثهایی صورت گرفته است. در مورد روایت اول، با اثبات دلالت «شیء» بر هر نوع از انواع مرکب (افعال عبادی مرکب ذی الاجزاء (کل) و مرکب ذی الافراد (کلی))، با استناد به استعمال مشهور «شیء» در هر چیز و عدم دلیل کافی بر تخصیص آن (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۹۰) و تبعیضه یا زائده بودن «من» با استناد به ناسازگار بودن استعمال «من» به معنای باء می‌توان دلالت روایت اول را به‌طور کلی بر صحت قاعده میسور صحیح دانست.

دلالت روایت دوم بر مدعای قاعده واضح‌تر از روایت اول است؛ چراکه اجزاء روایت معنای خاص دیگری ندارند که معنای آنها را از ظهور خارج نماید (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۱۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۴۷). البته در این باره بحثهایی صورت گرفته است که یکی از آنها شمول واجبات یا مستحبات یا اعم از آنهاست. تبیین یکی از اشکالات مطرح شده توسط آخوند خراسانی به این شکل است: المیسور به صورت مطلق آمده و شامل واجبات و مستحبات می‌شود و در مستحبات عدم سقوط وجوبی نیست. بنابراین باید مراد این باشد: المیسور لایسقط رجحاناً و این مطلب با ادعای لزوم قائلین به صحت قاعده، منافات دارد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۷۱). ایشان در ادامه به دفع اشکال می‌پردازد: اگر مراد از روایت ظاهر کلام نباشد، بلکه «المیسور لایسقط» کنایه از «المیسور لایسقط حکمه» باشد، در این صورت هم واجبات و هم مستحبات را شامل می‌شود و حکم وجوب و استحباب را اسقاط می‌کند (همان‌جا). هم‌چنین در صورتی که مطابق ظاهر کلام، «لایسقط» به خود «میسور» بازگردد، منظور از روایت ساقط نشدن میسور از اجزاء و شرایط و باقی ماندن بر حالت سابقش است؛ یعنی میسور از واجبات به حالت سابقش (وجوب) و میسور از مستحبات نیز بر حالت سابقش (استحباب) باقی می‌ماند (محمدی، ۱۳۸۵ش، ج ۴، ص ۳۸۹).

دلالت محتوایی روایت سوم نیز صحیح است؛ زیرا اولاً «لا یتُرک» هرچند گزاره خبر است، اما در مقام ایجاب حکم ظهور در وجوب را دارد. هم‌چنین اخبار روایت از زندگی مردمی که بسیاری از ایشان با عدم توان بر بخشی از کار، آن را به‌کلی رها می‌کنند، یا نعوذ بالله، کذب سخن معصوم را می‌رساند و یا موجب تخصیص اکثر خواهد بود. ثانیاً مراد از «کله» عام مجموعی است؛ زیرا «ما» موصوله همواره مطلق و مفرد (چیزی که) معنا می‌شود و مراد از آن فعل واحد مکلف است و «کله» نیز به مجموع بخشهای آن اشاره می‌نماید (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، صص ۳۹۴-۳۹۳).

علاوه بر روایات، ادعای اجماع بر این قاعده در خصوص باب صلاه نیز مطرح شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۵۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۱۳۵). گرچه ممکن است اجماع را مدرکی بدانیم و تنها به روایات برای اثبات بسنده نماییم.

اما در صورتی که آراء قائل به تفصیل را مد نظر قرار دهیم، کمافی‌السابق می‌توانیم قاعده میسور را در محل بحث جاری نماییم؛ چراکه هیچ‌یک از تفاسیل اول و سوم

اختصاصی به بحث ما ندارند و تفصیل در ادله بررسی حجیت و عدم حجیت آنها خارج از محل بحث پژوهش حاضر است. هم‌چنین تقیید به برخی شرایط نیز شامل بحث ما نمی‌شود؛ زیرا انصاری که این تقیید را مطرح نموده، حالتی را که عرف حکم به اتحاد مشروط در هنگام تحقق و عدم تحقق شرط نماید، استثنا نموده است و در این شرایط قاعده را جاری دانسته است (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، صص ۳۹۶-۳۹۵). بنابراین اگر نماز جماعتی با فاصله دو متری افراد از یکدیگر تشکیل شود، هم‌چنان عرفاً نماز جماعت بر آن صدق خواهد نمود.

پس از پذیرش حجیت قاعده، برای بررسی جریان قاعده در محل بحث پژوهش، با این پرسش مواجه خواهیم شد که آیا قاعده علاوه بر واجبات، در اعمال عبادی مستحب نیز جاری می‌شود یا خیر؟ در پاسخ به اختلاف نظرات فقها در این باره باید گفت اولاً دلالت محتوایی روایت دوم بر شمول واجبات و مستحبات تمام است و همین روایت بر اثبات شمول مستحبات کافی است (همان، ج ۲، ص ۳۹۴) مؤید این مطلب اعمال مستحبی هستند که قاعده در آنها جریان می‌یابد. به‌طور مثال اگر در نماز شب بیان بعضی از اذکار مقدور نبود، اذکار میسور از موضوعیت استحباب خارج نخواهند شد (همان، ج ۲، ص ۱۴۱). ثانیاً برخی از فقها که جریان قاعده را مشروط به تعدد مطلوب بیان نموده و معتقدند برای تطبیق قاعده ابتدا باید تعدد مطلوب در عمل مرکب را احراز نمود و به عنوان نمونه اجتناب از برخی مفطرات روزه را در صورت عدم توان اجتناب از برخی دیگر کافی نمی‌دانند (همان، ج ۲، ص ۵۴۹). جریان قاعده در مستحبات را واضح‌تر از واجبات می‌دانند؛ چراکه غالباً قیود در اعمال استحبابی به منظور تقیید نبوده، بلکه از باب تعدد مطلوب هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۵۱).

در نتیجه قاعده میسور با تأکید بر روایت «المیسورُ لا یسقطُ بالمعسور» می‌تواند موجب الغاء شرطیت اتصال صفوف در نماز جماعت شود. البته این الغاء به طور موقت و تا زمان اتمام شیوع گسترده بیماری است. هم‌چنین الغاء شرطیت مذکور مادامی صحیح است که مشروط پس از لغو شرطیت، با پیش از آن متحد باشد. به صورتی که هم‌چنان عنوان نماز جماعت بر نمازی که در آن شرطیت اتصال لغو شده، صدق نماید. اما در صورتی که فاصله آن مقدار افزایش یابد که هیئت اتصالیه نماز جماعت کاملاً از بین برود، دیگر عنوان جماعت بر این عمل صدق نمی‌نماید و نماز افراد به جماعت صحیح نیست.

نتیجه

۱. لزوم شرعی رعایت فاصله بهداشتی از دیگر افراد به منظور پیشگیری از گسترش بیماری مسری با توجه به حکم «وَجوب حفظ نفس» و قاعده «حرمت اختلال در امور اجتماعی» اثبات می‌شود و فتاوی فقهای معاصر نیز مؤید این مطلب است.
۲. ملاکهای فقهای مذاهب اربعه چه در داخل مسجد (هر قسمتی از مسجد به شرط علم به نماز امام) و چه در خارج از آن (عرف، طریق عمومی یا نهر بزرگ، سیصد ذراع و...) تعارضی با فاصله بهداشتی احتمالی در بیماریهای مسری نخواهند داشت.
۳. ملاک اتصال آن دسته از فقهای امامیه که یک گام یا مانند آن است، معارض با فاصله بهداشتی در ایام شیوع بیماری مسری است. راه ابتدایی برای رفع تعارض پذیرش ملاک عرف است؛ چراکه به نظر می‌رسد با توجه به ملاکهای متعددی که در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام به تناسب حال مخاطب ذکر شده است، بتوان این ملاکها را مصادیقی از هیئت اتصالیه عرفیه در نماز جماعت دانست. با پذیرش ملاک عرف، در نهایت الزامی به حکم تعطیل نمودن این مستحب مؤکد در شرایط شیوع بیماری مسری نخواهد بود.
۴. در صورت عدم پذیرش ملاک عرف به‌طور کلی، به دلیل عدم قدرت شرعی بر رعایت شرط اتصال صفوف در عمل مرکب شرعی در زمان شیوع بیماری، بنابر قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور» شرط معسور موجب سقوط اعمال میسور نمی‌شود. در نتیجه در نماز جماعت می‌توان موقتاً تا زمان رفع شیوع بیماری، شرطیت اتصال صفوف را منوط به رعایت هیئت اتصالیه در نماز جماعت نادیده گرفت.

پیشنهادها

در صورت تعارض، علاوه بر راه‌حلهای مذکور (رجوع به ملاک عرف یا تمسک به قاعده میسور) می‌توان از حائلهایی مابین نمازگزاران استفاده نمود که از جنس شیشه یا پرده پلاستیکی باشد که در حین مانعیت از انتقال ویروس، مانع از مشاهده نمازگزاران توسط یکدیگر نباشد. وجود چنین حائلهایی اکثراً از جنس پلاستیک، در اماکن عمومی مانند تاکسیها، بانکها، مغازه‌ها و... به دلیل پیشگیری در زمان شیوع بیماری رایج است. مشاهده شده از چنین حائلهایی مابین صفوف جماعت و حد فاصل هر نمازگزاری با دیگر

نمازگزاران استفاده شده است. البته در صورت استفاده باید اعلام نمود که مقلدین کدام یک از مراجع می‌توانند از حائل‌های داخل مسجد استفاده نمایند.

هم‌چنین می‌توان توصیه‌هایی که به منظور پیشگیری از انتقال بیماری مطرح شده است را تا حد امکان در برگزاری نماز جماعت نیز رعایت نمود؛ برخی از این توصیه‌ها عبارتند از: عدم استفاده از فضاهاى سرپوشیده برای اقامه نماز جماعت، محدود نمودن نمازگزاران به تعداد اندک و تقسیم ایشان به چند گروه مجزا به منظور پیشگیری از تراکم جمعیت و افزایش احتمال شیوع بیماری، استفاده از دستگاه‌های تهویه هوا، رعایت فاصله در هنگام ورود و خروج به محل جماعت و

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی (۱۴۰۵ق). *عوالی الثالی العزیزیه*. قم: سیدالشهداء علیه السلام.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۳۸۷ش). *موسوعة ابن ادريس الحلی*. قم: دلیل ما.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳ش). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق). *الإصابة فی تمييز الصحابة*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی تا). *أسماء الصحابة و ما لكل واحد منهم من العدد*. ریاض: مکتبه الساعی.
- ابن شاذان، فضل (بی تا). *الإيضاح*. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن عماد (بی تا). *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*. دمشق: دار ابن کثیر.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۹۸۵م). *تأویل مختلف الحديث*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق). *المغنی*. قاهره: مکتبه القاہره.
- ابن مازہ، محمود بن احمد (۱۴۲۴ق). *المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر؛ دارصادر.
- ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق). *الكافی فی الفقه*. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی علیه السلام.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفایة الأصول*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۲۸ق). *فرائد الاصول*. قم: مجمع اندیشه اسلامی.
- همو (۱۴۱۵ق). *کتاب الصلاة*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری*. دمشق: دارطوق النجاة.
- بهجت، محمدتقی (۱۳۸۶ش). *توضیح المسائل*. قم: دفتر حضرت آیت الله محمدتقی بهجت.
- بهوتی، منصور بن یونس (بی تا). *کشاف القناع عن متن الإقناع*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- تبریزی، میرزا جواد (۱۴۱۶ق). *صراط النجاة استفتاءات لآیه الله العظمی الخوئی*. قم: سلمان فارسی.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۳۹۳ش). *توضیح المسائل*. قم: بی نا.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حصنی، ابوبکر بن محمد (بی تا). *کفایة الأخیار فی حل غایة الإختصار*. دمشق: دارالخیر.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- همو (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۱۰ق). *نهاية الإحکام فی معرفة الأحکام*. قم: اسماعیلیان.
- خرشی، محمد بن عبدالله (بی تا). *شرح مختصر خلیل*. بیروت: دارالفکر.
- خلاف، عبدالوهاب (بی تا). *علم اصول الفقه*. قاهره: مکتبة الدعوة الإسلامية.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲ش). *ولایت فقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مصباح الأصول*. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- همو (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*. قم: مدینه العلم.
- دسوقی، محمد بن احمد (بی تا). *حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر*. بیروت: دارالفکر.
- رهبر، مهدی (۱۳۹۸ش). *اتحاد مکانی و اتصال صفوف در نماز جماعت از منظر فقه مذاهب اسلامی*. *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروع وحدت)*، ۱۵ (۵۲)، ۲۰-۲۷.
- سبجانی، جعفر (۱۳۸۶ش). *توضیح المسائل*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (بی تا). *جامع الأحکام الشرعیة*. قم: مؤسسه المنار.
- شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۸۸ش). *توضیح المسائل*. قم: سلسبیل.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- شیرازی، ابراهیم بن علی (بی تا). *المهذب فی فقه الإمام الشافعی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۳۲ق). *توضیح المسائل*. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت-الله صافی گلپایگانی.
- صاوی، احمد بن محمد (بی تا). *بلغة السالک لأقرب المسالک*. بیروت: دارالمعارف.
- طباطبایی، سید علی بن محمد علی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.

- همو (۱۴۰۰ق). *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*. بيروت: دارالكتاب العربي.
- عراقى، آقا ضياء الدين (بى تا). *شرح تبصرة المتعلمين*. قم: مطبعة مهر.
- علوى گرگانى، سيد محمدعلى (۱۳۸۷ش). *توضيح المسائل*. قم: دفتر حضرت آيت الله علوى گرگانى.
- غرورى اصفهانى، محمدحسين (۱۴۲۹ق). *نهاية الدراية في شرح الكفاية*. بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- غزالى، محمد بن محمد (۱۳۲۲ق). *المستصفي من علم الأصول*. قاهره: مطبعة الأميرية.
- فاضل لنكرانى، محمد (۱۳۸۷ش). *تفصيل الشريعة (كتاب الغصب و إحياء الموات و المشتركات و اللقطة)*. قم: مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام.
- همو (۱۴۲۵ق). *جامع المسائل*. قم: امير قلم.
- فاضل لنكرانى، محمدجواد (۱۳۹۶ش). *مكاسب محرمة*. قم: مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام.
- فيومى، احمد بن محمد (۱۳۹۷ق). *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*. قاهره: دارالمعارف.
- قاضى بغدادى، عبدالوهاب بن على (۱۴۲۰ق). *الاشراف على نكت مسائل الخلاف*. بيروت: دار ابن حزم.
- كاسانى، ابوبكر بن مسعود (بى تا). *بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع*. باكستان: المكتبة الحبيبية.
- گليپايگانى، محمدرضا (بى تا). *مجمع المسائل*. قم: دارالقرآن الكريم.
- محقق حلى، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام*. قم: اسماعيليان.
- همو (۱۳۷۶ش). *المختصر النافع في فقه الإمامية*. قم: مطبوعات دينى.
- محمدى، على (۱۳۸۵ش). *شرح كفاية الأصول*. قم: الإمام حسن بن على عليه السلام.
- مزنى، اسماعيل بن يحيى (۱۴۱۰ق). *مختصر المزنى*. بيروت: دارالمعرفة.
- مشكينى، على (۱۴۱۹ق). *مصطلحات الفقه و معظم عناوينه الموضوعية*. قم: الهادى.
- مغنيه، محمدجواد (۱۴۲۱ق). *الفقه على المذاهب الخمسة*. بيروت: دارالتبار الجديد.
- مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- مكارم شيرازى، ناصر (۱۳۸۳ش). *تعزير و گستره آن*. قم: مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام.
- همو (۱۴۲۴ق). *توضيح المسائل*. قم: مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام.
- همو (۱۳۷۰ش). *القواعد الفقهية*. قم: مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام.
- منتظرى، حسينعلى (۱۳۸۴ش). *استفتائات*. تهران: سايه.
- موسى بجنوردى، سيد محمدحسن (۱۳۷۷ش). *القواعد الفقهية*. قم: الهادى.

- موسوی عاملی، سید محمد بن علی (۱۴۱۱ق). مدارک الاحکام فی شرح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه آل البیت علیه السلام
- نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. قم: دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۹۳ش). توضیح المسائل. قم: مهدی موعود علیه السلام
- نووی، یحیی بن شرف (بی تا). المجموع شرح المهدب. بیروت: دارالفکر.
- وحید خراسانی، حسین (۱۳۸۶ش). توضیح المسائل. قم: مدرسة الإمام باقر العلوم علیه السلام
- وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية (۱۴۰۴ق). الموسوعة الفقهية الكويتية. كويت: دارالسلاسل.
- Agharezaee, Niloufar, & Forouzes, Flora (2020). SARS-COV-2: History, Genetics, and Treatments. *Journal of Arak University of Medical Sciences*, 23(5), 666-685. doi: 10.32598/JAMS.23.COV.5712.2
- Lotfi, Melika, Hamblin, Michael R., & Rezaei, Nima (2020), COVID-19: Transmission, prevention, and potential therapeutic opportunities. *Clinica Chimica Acta*, (508), 254-266. doi: 10.1016/j.cca.2020.05.044